

متن پرسش

با سلام: استاد عزیز بنده سوال ندارم که نیاز به پاسخ داشته باشم بلکه مرضی عجیب در وجودم هست که نیاز دارم شما آن را معالجه کنید و در واقع طبیب جان من باشید چرا که از این سوال و جواب های حصولی مرا هیچ چیز عاید نشد. استاد عزیز اگر می بینید که جوانان امروز دچار اکنون زندگی هستند و عمرشان را با لهو لعب و گناه سر می کنند یکی از علل آن این است که هویت اسلامی ایرانی خود را درک نکرده اند و نمی دانند برای چه متولد شده اند. اما برای بنده مشکل اساسی این است که روی این مسئله که از کجا آمده ام آمدنم بحر چه بود خیلی تفکر و تحقیق کرده ام و می دانم که آمده ام تا بندگی حق را بکنم. می دانم آمده ام تا با این زندگی محدود دنیایی زندگی به وسعت ابدیت خود را بسازم. می دانم باید خود را در ذیل نور امامان معصوم قرار دهم و انقلاب اسلامی بهترین شرایط را برای ظهور جلوه های وجودی انسان فراهم می کند. خلاصه عرض کنم من جایگاه خود را در این دنیا خوب درک کرده ام و هویت اصیل اسلامی ایرانی خود را شناخته ام اما نمی دانم چرا نمی توانم بر این اساس یک حیات طیبه برای خود شکل دهم. آنقدر اوضاعم خراب است که نماز صبح هایم را هم به زور می خوانم و خیلی اوقات قضا می شود با اینکه می دانم به عنوان جوان مسلمان شیعه باید با قرآن و سیره اهل بیت (ع) مانوس باشم و حتی کتاب های خوبی هم برای آن تهیه کرده ام اما نمی دانم چرا آن شور و شوق و حال برای مطالعه در من وجود ندارد. چه کنم استاد؟ به نظر شما این مشکل از کجا آب می خورد که با آن که من جایگاه خود را به خوبی درک کرده ام اما آن همت و اراده و شور و شوق برای انس با طریق حق در من وجود ندارد و عمرم با روزمرگی ها در حال سپری شدن است.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بالاخره از مکر لیل و نهار غافل نباشید از آن جهت که فضا را طوری شکل می دهند که انسان نمی تواند مافی ضمیر خود را در بستر زندگی پیاده کند. راه کار، مقاومت و صبر است یعنی «آن قدر ای دل که توانی بکوش». و پایداری بر عزمی که دارید به خودی خود به مرور موانع عملی کار را رفع می کند. موفق باشید